



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 139-161)
DOI:

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۱۳۹-۱۶۱)

A Comparative Review of Sources, Methods and Attitudes Used in Zayd Ibn Ali (p.b.u.h) and Abdul Rahman Ibn Zayd's Exegeses

Fatimah Dastranj¹

(Received: 9/2/1396-29/4/2017; Accepted: 8/5/1396-30/7/2017)

Abstract

The exegeses written in the second century ('AH'), particularly Zayd Ibn Ali and Abdul Rahman Ibn Zayd's exegeses which are regarded important and "comprehensive", have distinct position. The present paper compares these two exegeses, using an analytical-descriptive method. The results show that despite their authors' common exegetic methods and approaches, they have had a distinct method in using hadiths, intellectual views, the way of referring to the Quranic verses, and applying exegetic principles. Zayd Ibn Ali has greatly used a literary method, approach, and usages in his exegesis, while Abdul Rahman Ibn Zayd has particularly used the method of interpreting the Holy Quran by itself, and paid particular attention to Ayat Al-Ahkam (the verses of injunctions).

Key words: comparative exegesis, Zayd Ibn Ali (p.b.u.h), Abdul Rahman Ibn Zayd, method, attitude.

¹ Assistant professor of department of sciences of the Holy Quran and hadith, Arak University, f-dastranj@araku.ac.ir



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 141-161)
DOI:

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۱۴۱-۱۶۱)

بررسی تطبیقی منابع و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر زید بن علی (ع) و عبد الرحمان بن زید

فاطمه دست رنج^۱

(تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۰؛ تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۶)

چکیده

قرن دوم در تفسیرنگاری، از جایگاه ممتازی برخوردار است. تفسیر «زید بن علی (ع)» و «عبدالرحمان بن زید بن اسلم» از تفاسیر مهم قرن دوم و از جمله «تفاسیر جامع» تلقی می‌شوند. بررسی تطبیقی این تفاسیر با روش تحلیلی و توصیفی، نشان می‌دهد، علی رغم آن که مفسران مذکور در روش‌ها و رویکردهای تفسیری دارای اشتراکاتی هستند، اما در استفاده از روایات، دیدگاه‌های عقلی، نحوه ارجاع به آیات و اتخاذ اصول تفسیری هر یک شیوه‌ای خاص دارند. تفسیر زید بن علی (ع) روش و رویکرد ادبی دارد و از کاربردهای مختلف ادبی، گسترده بهره برده است. به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن از ویژگی‌های اختصاصی تفسیر عبدالرحمان بن زید است. وی به تفسیر آیات الاحکام اهتمام ویژه‌ای داشته است.

کلیدواژگان: تفسیر تطبیقی، زید بن علی (ع)، عبدالرحمان بن زید، روش، گرایش

^۱ . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک - f-dastranj@araku.ac.ir

۱. مقدمه

بازشناسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری از جمله مباحث ضروری در مطالعات تفسیری است. شناخت آنها فضای علمی و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن بر جریان‌های تفسیری را آشکار می‌سازد. قرن دوم به لحاظ تفسیرنگاری از جایگاه ارزشمندی برخوردار است؛ زیرا در این قرن، نهضت تفسیرنگاری و تحوّل آن در ابعاد مختلف رخ داد.

تفسیر «زید بن علی (ع)» و «عبدالرحمان بن زید بن اسلم» از تفاسیر مهم قرن دوم محسوب می‌شوند که تا کنون کمتر کوششی برای شناخت دقیق آنها صورت گرفته است. این تحقیق می‌تواند از یکسو به شناخت اندیشه‌های رایج قرآنی در قرن دوم بیانجامد و از سوی دیگر، دغدغه‌های فکری این مفسران و اثر زمانه و مقتضیات آن را بر افکارشان بازنمایاند و ما را به درکی بهتر از تاریخ تفسیر قرآن در قرن‌های نخستین هجری برساند.

هرچند در قرن‌های نخستین مرزبندی دقیقی درباره گرایش‌های مذهبی وجود نداشت؛ اما شیعه بودن «زید بن علی (ع)» محرز است و شیخ طوسی «عبدالرحمن بن زید» را در زمره شاگردان امام صادق (ع) ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۲)؛ بنابراین تفاسیر آنان از میراث شیعی به شمار می‌رود.

تحقیق حاضر درصدد است با مقایسه تطبیقی این دو تفسیر از حیث روش و گرایش، امتیازات و اختصاصات ویژه هر یک از تفاسیر را بیان کند.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر کتب و مقالات متعددی درباره شخصیت، قیام و آثار زید بن علی (ع) انتشار یافته است؛ نظیر: «شخصیت و قیام زید بن علی (ع)»، اثر ابوفاضل رضوی اردکانی؛ «الامام زید حیات و عصره»، اثر محمد ابو زهره؛ «تراث الزیدیه»، اثر سید علی موسوی نژاد؛ اما بازشناسی روش تفسیری وی کمتر مورد توجه بوده است.

بررسی تطبیقی منابع و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر زید بن علی (ع) و عبد الرحمان بن زید | ۱۴۳

درباره «عبدالرحمن بن زید» نیز مطالب پراکنده‌ای در کتب تاریخ تفسیر وجود دارد؛ اما مهم‌ترین تألیف در این خصوص، کتاب «تفسیر عبدالرحمن بن زید» است که در آن، آراء تفسیری وی از خلال تفاسیر مختلف روایی به ترتیب سور قرآن، از سوی عبدالله أبوالسعود بدر، استاد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه فیوم اردن، تدوین و گردآوری شده و توسط انتشارات ایربد اردن در سال ۲۰۱۴ چاپ شده است؛ اما تاکنون پژوهشی درباره آن صورت نپذیرفته است.

۳. معرفی مؤلفان و تفسیر آنها

الف. زید بن علی (ع) و تفسیر غریب القرآن: ابوالحسن زید بن علی فرزند امام چهارم شیعیان در مدینه متولد شد و در سال ۱۲۰ در کوفه به شهادت رسید. وی در سایه تلمذ در محضر امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) علوم اسلامی را اخذ کرد. کتب رجال شیعی او را توثیق کرده (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۵؛ خویی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۳۴۶-۳۴۵) و در منابع اهل سنت نیز توثیق شده و محدثانی مانند زهری، شعبه، اعمش و ابن ابی‌زناده از وی روایت کرده‌اند. (ابن حبان، ۱۹۷۳، ص ۱۰۴؛ ذهبی، ج ۵، ص ۳۸۹؛ ابن حجر، ج ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۶۲) زید بن علی (ع) در علوم مختلف اسلامی نظیر علم کلام، علم فقه، حدیث، قرائت کتاب‌هایی نگاشته است و آرای تفسیری وی در تفاسیر روایی شیعه و سنی فراوان دیده می‌شود (تهرانی، ج ۲۱، ص ۲۶؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۵۹)

تفسیر زید بن علی (ع) با نام «غریب القرآن» از کلمات متفرقه زید بن علی گردآوری شده و جمعی از علمای بزرگ زیدیه آن را روایت کرده‌اند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بروکلمان، ۱۹۷۵، ص ۳۲۳) از جمله نسخ خطی غریب القرآن، نسخه‌ای در کتابخانه متوکلیه صناعه و نیز نسخه‌ای در کتابخانه برلین است که مبنای عمل محققان قرار گرفته و بر اساس آن دو تحقیق از این کتاب، از سوی محمد تقی حکیم و سید محمد جواد حسینی جلالی با مقدمه‌ای مفصل چاپ شده است.

ب. عبدالرحمان بن زید بن اسلم عدوی: وی متوفای ۱۸۲ است. او مانند پدرش در مدینه دارای کرسی تدریس بود و حلقه دینی او عمدتاً در تبیین آیات قرآن و نیز بیان احکام

شرعی بوده است. دو کتاب «التفسیر» و «الناسخ و المنسوخ» او (داودی، ج ۱، ص ۲۶۵) در طول تاریخ از دست رفته است. تفسیر او یکی از مصادر مهم تفسیر طبری بوده (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۲۸۱) به نحوی که طبری بیش از ۱۸۰۰ بار از وی با واسطه «عبدالله بن وهب» روایت کرده است. طبری نیز از وی با نام «ابن زید» نام برده است. (سزگین، ۱۴۱۲، ص ۸۸/۱) عبدالرزاق بن همام صنعانی، وکیع بن جراح رؤاسی و سفیان بن عیینه، آراء او را در تفاسیر خود آورده‌اند. (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۷۷) برخی او را در باب نقل حدیث ضعیف دانسته‌اند (مامقانی، ج ۱، ص ۸۳)؛ اما شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام صادق (ع) آورده و کلینی در «کافی» در ابواب مختلف از او روایت آورده است. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۲). «تفسیر عبدالرحمن بن زید» از خلال تفاسیر روایی مختلف از جمله تفسیر طبری، النکت و العیون ماوردی، معالم التنزیل بغوی، المحرر الوجیز ابن عطیه به ترتیب سور قرآن از سوی «عبدالله ابوالسعود بدر» بازایی و تدوین شده است.

۴. مقایسه منابع تفسیری زید بن علی (ع) و عبدالرحمان بن زید

بررسی تفسیر زید بن علی (ع) و عبدالرحمن بن زید، حاکی از به کارگیری منابع ذیل است:

۴.۱. استفاده از آیات قرآن

اولین ویژگی ممتاز تفسیر تفسیر زید بن علی (ع) و عبدالرحمن بن زید به کارگیری آن در تبیین آیات است. زید بن علی (ع) در موارد بسیاری برای استشهاد به معنای واژگان به آیات قرآن ارجاع می‌دهد. برای نمونه در آیه ۳۷ سوره بقره، در تبیین واژه «کلمات» به آیه «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الظَّالِمِينَ» (اعراف، ۲۳) استناد می‌کند. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۱۲۶) توضیح آن که آیات ۳۰ الی ۳۸ سوره بقره به داستان آفرینش آدم اشاره دارد و در آیه ۳۷ سخن از آن است که آدم (ع) با کلماتی که از پروردگارش دریافت کرد، توبه نمود. در سوره اعراف آیات ۱۱ الی ۲۴ نیز مشابه همان است؛ اما به جای بیان تَلَقَّى

بررسی تطبیقی منابع و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر زید بن علی (ع) و عبد الرحمان بن زید | ۱۴۵

کلمات از سوی آدم (ع) آیه ۲۳ واقع شده است. گو این که زید بن علی (ع) با عنایت به این جانشینی در تبیین واژه «کلمات» به آیه ۲۳ سورة اعراف استناد کرده است. وجوه تفسیری دیگری نیز در تبیین واژه «کلمات» وجود دارد؛ ولی وی تنها به بیان این مورد اکتفا کرده است.

نمونه دیگر آن که در آیه ۹۳ سورة صافات مراد از «ضرباً بالیمین» را سوگند حضرت ابراهیم می‌داند و به آیه «وَتَاللَّهِ لَا كِيدَ إِلَّا لَكَيْدَنَ أَصْنَامُكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء، ۵۷) استناد می‌نماید. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۳۴۴)

زید بن علی (ع) در استناد به آیات قرآن، به بیان دلالت‌های مختلف یک واژه و آیات مرتبط با آن نمی‌پردازد و به ذکر یک دلالت بسنده می‌کند.

بررسی تفسیر عبدالرحمن بن زید نیز حاکی از آن است که وی برای تبیین آیات قرآن به طور گسترده از قرآن بهره برده است؛ به گونه‌ای که این ویژگی در تفسیر او صبغه غالب را دارد و کمتر بیانی را در تفسیر او می‌توان یافت که خالی از استشهادات قرآنی باشد. حتی وی در برخی موارد تفسیری به بیش از یک آیه استشهاد کرده و شماری از آیات مشابه را آورده است. برای مثال او در تفسیر آیه «وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» (کهف، ۸) واژه «جُرُزًا» به معنای «زَلَقًا» دانسته و به آیه «وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا» (کهف، ۴۰) استناد کرده و آن را به زمین خالی از نبات، تفسیر کرده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۷۶)

همچنین در تفسیر آیه «قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ» (سبا، ۴۸) به آیه «بَلْ يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء، ۱۸) استناد کرده و مراد آیه را نابودی باطل در برابر نیروی حق دانسته است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۵۳)

او در تفسیر برخی آیات، علاوه بر به کارگیری روش قرآن به قرآن از عقل هم برای ایجاد ارتباط بین آیات مختلف استفاده کرده است. برای نمونه او در تفسیر آیه «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره، ۴۰) به آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُودًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي

بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۱۱۱) استشهاد کرده و بیان کرده، مراد از «عهد» ذکر شده در آیه، جهاد در راه خداست که خطابی عمومی است و اختصاص به بنی اسرائیل ندارد و پیروان همه ادیان آسمانی را شامل می‌شود؛ به همین دلیل در تورات، انجیل و قرآن خداوند نسبت به آن تذکر داده شده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۷۶-۸۷)

۲.۴. به کار گیری احادیث نبوی (ص)، اقوال صحابه و تابعین

زید بن علی در تبیین واژگان قرآن از احادیث معصومین (ع) بهره برده است. برای نمونه او در آیه ۷۷ سوره فرقان در تبیین واژه «لزام» به قول امام سجّاد (ع) استناد کرده است. (زید بن علی، ۲۳۱/۱۹۹۲)

زید بن علی اقوال صحابه و تابعین را نیز در تفسیرش آورده؛ ولی نامی از آنان نبرده است و آن با مراجعه به تفاسیر دیگر دانسته می‌شود. زید از صحابه‌ای چون «عبدالله بن عباس»، «ابن مسعود»، «جابر بن عبدالله انصاری» و تابعینی مانند «سعید بن جبیر»، «محمد بن حنفیه»، «عکرمه»، «حسن بصری»، «قتاده» و «ضحاک» نقل قول کرده است. (همان، ص ۵۴) برای مثال، در آیه «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ» (عبس، ۲۰) گفته است که آن آسان کردن راه خروج طفل، هنگام تولّد است (همان، ص ۴۶۳). مراجعه به تفاسیر دیگر روشن می‌سازد، او این قول را از ابن عباس، قتاده و سدی نقل کرده است. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۶۶۶)

تفسیر قرآن با استفاده از احادیث نبوی (ص) دومین منبع در تفسیر عبدالرحمان بن زید است. برای مثال در تفسیر آیه «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم، ۵) با استناد به روایت نبوی (ص) بیان می‌کند، سدره‌المنتهی را پوشش‌هایی از طلا و فرشتگان در برگرفته بود. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۸۹)

ابن زید از آراء صحابه و تابعین نیز بهره برده است. از جمله کسانی که از آنان نقل کرده، «عمر بن خطاب»، «ابن مسعود»، «علی بن ابی طالب»، «ابن عباس»، «ابی بن

کعب»، «عبدالله بن عمر»، «کعب بن مالک»، «ابوهریره»، «ابن شهاب زهری»، «کعب قرظی» و «مالک بن انس» است. (همان، ص ۹۹)

ابن زید در تفسیر آیه «وَالذَّارِيَاتِ ذُرْوًا» (ذاریات، ۱) از ابن عباس آورده است که «ریاح» به معنای باد است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۰۰) همچنین در تفسیر آیه «نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ» (انسان، ۲۸) از ابوهریره نقل کرده است که مراد از «أَسْر» مفاصل است که خداوند متعال با آن استخوان‌ها را به هم متصل نموده است. (همان، ص ۱۰۰).

۳.۴. توجه به نکات ادبی

«غریب القرآن» زید بن علی (ع) از جمله تفاسیری است که در آن علاوه بر تفسیر لغات، درباره برخی از مباحث علم معانی و بیان مانند ایجاز و اطناب، تشبیه، استعاره و کنایه نیز مطالبی آمده است. (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۷۳) وی برای تأیید تفسیر خود به اقوال عرب نیز استناد می‌کند. برای مثال، در تبیین آیه «فَأَمَّهُ هَاوِيَةً» (قارعه، ۹) بیان می‌کند، هنگامی که کسی در دشواری قرارگیرد، عرب آن را «هَوَتْ به أُمِّه» می‌خواند (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۴۹۶) این تعبیرنوعی نفرین و کنایه از خواری و گرفتاری است. (بغوی، ۱۴۲۰، ص ۲۹۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۷۴)

وی هم‌چنین آیه «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا» (نازعات، ۳۰) ضمن آن که واژه «دحیها» را «بسطها» (گستراندن) معنا کرده، با استشهاد به قول عرب بیان می‌کند که «مع» به معنای «بعد» است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۴۶۰). نظیر این قول در تفاسیر دیگر وجود دارد. (شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۹۰).

زید بن علی (ع) در تبیین واژگان، اهتمام چندانی به اشعار عرب ندارد. تنها موردی که وی به شعر استناد نموده، ذیل آیه ۴ سوره مدثر است.

چنان می‌نماید که زید بن علی (ع) قائل به وجود ترادف در قرآن بوده است؛ چون در تفسیر وی نمونه‌های متعددی از بیان مترادفات وجود دارد. برای مثال، واژه «شَنَانٌ» را در آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ...» (مائده، ۲) با «العداوة» و «البغضاء» مترادف دانسته است (زید

بن علی، ۱۹۹۲، ص ۱۷۷) تفاسیر دیگر نیز واژه «شَتَّانُ» را به معنای بغض دانسته‌اند. (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۸)

هم‌چنین ذیل آیه «فَلَمَّا أَفْلَحَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام، ۷۶) معنای واژه «افل» را به معنای «غاب» (غروب کرد) و «زال» (از بین رفت) گرفته است (زید بن علی، ص ۱۸۹ و نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۱۹)

نکته دیگری که در تفسیر غریب القرآن به چشم می‌خورد، این است که زید به نکات بلاغی خصوصاً مجاز عنایت دارد؛ برای مثال، وی در آیه «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (حاقه، ۲۱) «راضِيَةٍ» را به معنای «مرضِيَةٍ» گرفته است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۴۳۲)

زید در آیه «وَقَدِينَاهُ يَذِجُ عَظِيمٍ» (صافات، ۱۰۷) ذبح را مذبح معنا کرده است (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۳۴۴). تأویل مصدر به اسم مفعول را مجاز مفرد یا مرسل می‌نامند. (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۱) بسیاری از مفسران همان تفسیر زید را به دست داده‌اند. (شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۶۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۳۵۰)

دقت در روایات تفسیری عبدالرحمان بن زید می‌رساند که او در کلام عرب و اسلوب‌های خاص آن تبخّر داشته و اصول و قواعد آن را می‌شناخته است؛ هرچند توجه به اصول و قواعد عربی، گرایش غالب در تفسیر او نیست. هم‌چنین استناد به کلام و اشعار عربی در تبیین برخی واژگان، اشاره به اسلوب‌های بلاغی در تفسیر وی مشهود است. او در تفسیر آیه «فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ» (حاقه، ۵) بیان می‌کند، «طاغیه» مانند «عاقبه» مصدر است و این تفسیر با آیه «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا» (شمس، ۱۱) تأیید می‌شود. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲)

عبدالرحمان بن زید کلمه «صِرٌّ» را در آیه «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (آل عمران، ۱۱۷) بارده معنا کرده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۴۳)

هم‌چنین او در موارد متعددی به اقوال عرب استناد کرده است. در تفسیر آیه «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» (طارق، ۳) بیان می‌کند، منظور از آن، زحل است که بر دیگر ستارگان ارتفاع یافته

است؛ چراکه عرب بر پرندۀ ای که در دل آسمان اوج می‌گیرد، ثاقب اطلاق می‌کند. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۴۵). ابن زید هم‌چنین در مواردی اندکی مانند آیه ۲۵ سورة نوح و آیه ۲۴ سورة انسان به شعر عرب استناد کرده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۵۴)

۴.۴. به کار گیری دانش‌های علوم قرآنی

دانش‌هایی که آن زید بن علی و عبدالرحمن بن زید در تفسیر آیات بهره‌برداری کرده‌اند، به قراری است که در پی می‌آید:

الف. بیان اسباب نزول آیات: زید بن علی در تبیین برخی آیات به اسباب نزول اشاره دارد؛ برای نمونه، ذیل آیه ۱۴ سورة مسد، واژه «إمراته» را «أم جمیل بنت حرب بن امیه» معرفی می‌کند. (زید بن علی، ص ۵۰۶) و در آیه ۳ سورة کوثر، مراد از عبارت «شانتک» را «عاص بن وائل سهمی» یا «کعب بن الاشرف یهودی» بیان می‌کند. (زید بن علی، ص ۵۰۳). عبدالرحمان بن زید نیز در تفسیر به این امر، اهتمام داشته و علم و احاطه او به احوال عرب جاهلی و تحولات صدر اسلام، در این امر بسیار مؤثر بوده و آثار آن در تفسیر وی مشهود است؛ برای مثال، در تفسیر آیه «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ» (نساء، ۱۲۷) به عدم ارث بری زنان و صغار در دوران جاهلیت و به این که چگونه زنان همانند کالا به ارث برده می‌شدند، متذکر شده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۱۳) او در تفسیر آیه «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ» (بقره، ۱۴۴) بیان کرده است که پیامبر (ص) آرزو و درخواست داشت، قبله به سوی بیت الله الحرام تغییر کند. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۱۳) یا در تفسیر آیه «إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» (بقره، ۱۵۸) ذکر می‌کند که این آیه ناظر به اکراه برخی مسلمانان از انجام سعی بین صفا و مروه است. در زمان جاهلیت بت‌هایی بر آن دو کوه منصوب بود. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۱۳-۱۲۰)

ب. ناسخ و منسوخ: عبدالرحمان بن زید به دانش ناسخ و منسوخ آگاهی داشته و کتابی با عنوان «الناسخ و المنسوخ» به او منسوب است که درگذر زمان از میان رفته است؛ بنابراین کاملاً طبیعی است که از این علم در بیان تفسیری خود بهره‌برده باشد. وی در تفسیر

آیات «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء، ۱۵) و «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (نساء، ۱۶) می‌گوید، این آیات با آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ» (نور، ۲) نسخ شده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۳۵)

هم‌چنین آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ» (بقره، ۲۴۰) با آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴) نسخ شده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۳۵) و نیز آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۸۰) با آیات ارث نسخ شده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۳۶)

دقت در موارد استعمال ناسخ و منسوخ از سوی ابن زید حاکی از آن است که این اصطلاح در نظر ابن زید مفهوم وسیعی داشته؛ طوری که عام و خاص و مطلق و مقید را هم شامل می‌شده است.

موردی از توجه زید بن علی (ع) به ناسخ و منسوخ مشاهده نشد.

ج. توجه به قرائت: زید به قرائات مختلف توجه داشته است. وی ذیل آیه «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» (تکویر، ۲۴) دو نوع قرائت از واژه «ضنین» را مطرح کرده و اظهار داشته است، اگر واژه «ضنین» با ضاد خوانده شود، به معنای بخیل و اگر با «ظاء» خوانده شود، به معنای متهم است (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۴۶۷). نظیر این قول را در بعضی از تفاسیر می‌توان مشاهده کرد. (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۴۲؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۸۷) زید بن علی به ذکر همین دو وجه بسنده کرده است. او آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ» (روم، ۵۴) را مربوط به دوران کودکی دانسته و بیان کرده است، اگر واژه «ضعف» به فتح قرائت شود، مربوط به ضعف بعد از دوران پیری است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۳۱۹) بیش‌تر لغویون بر این باورند که اگر ضاد به ضم قرائت شود، مربوط به ضعف بدن است و اگر به فتح قرائت شود، مربوط به ضعف

عقل است. (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۴۸۵) مشهور است که قرائت حمزه و عاصم به ضَمّ است؛ اَمَّا بَقِيَّةُ قَرَاءٍ به فتح خوانده‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۸۵)

وی در قرائت یک واژه از شاذّ بودن یا صحیح بودن واژه سخن نمی‌گوید و قولی از صحابه و یا تابعین و اهل بیت نقل نمی‌کند.

عبدالرحمان بن زید نیز در علم قرائت تبحر داشته و از آن در تفسیرش بهره جسته است. برای مثال در تفسیر آیه «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي» (مؤمنون، ۱۱۰) می‌گوید، «سِخْرِيًّا» به کسر سین به معنای مسخّر نمودن و به کارگیری است و به ضَمّ سین به معنای استهزاء است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۲۸)

هم‌چنین در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج، ۷۸) از ابن عباس می‌آورد: «وجاهدوا فی الله حق جهادتم کما جاهدتم اول مرة» که عبارت «کما جاهدتم اول مرة» زیادتی بر نصّ قرآن است و در مصحف عثمانی وارد نشده است. ابن زید در برخی آیات، بدون هیچ گونه تفصیلی، به ذکر قرائات پرداخته است. وی قرائات ضعیف و شاذّ را هم ذکر کرده است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۳۵، بقره، ذیل آیات ۱۵۰ و ۲۵۹)

د. بیان معرّبات و توجه به لهجات مختلف عرب: زید بن علی از جمله مفسرانی است که به واژگان بیگانه در قرآن عنایت داشته و حدود ۲۱ واژه را در شمار واژگان بیگانه به حساب آورده است. او واژه فردوس را برگرفته از زبان رومی و به معنای بوستان می‌داند. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۲۶۴) این قول از دیگران نیز نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۵۴). او هم‌چنین واژه «سَجَلِيل» را معرّب سنگ و گل و به معنای سخت و شدید دانسته است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۲۲۰) روش زید در نقل واژگان بیگانه، به این صورت است که او به اصل الفاظ اشاره‌ای ندارد و صرفاً به بیان این که آنها از چه زبانی مشتق شده است، می‌پردازد.

وی هم‌چنین به لهجات مختلف عرب عنایت دارد. برای نمونه در آیه «أَقْلَمَ يَبْسُ الَّذِينَ آمَنُوا» (رعد، ۳۱) واژه «يَبْسُ» را «يَعْلَمُ» معنا کرده و افزوده است که آن به لغت نَخَع است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۲۳۰) برخی از مفسران دیگر نیز این واژه را برگرفته از لغت نخع دانسته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۱)

نمونه دیگر آیه «قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره، ۱۴۴) است که در آن واژه «وجهک» را به لغت اهل یثرب دانسته و بیان داشته است، واژه «شطر» در لغت بنی تغلب به معنای نصف است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۱۳۹)

در تفسیر عبدالرحمان بن زید نیز مواردی از تفسیر لغوی به چشم می‌خورد. وی با استعانت از کلام و شعر عرب به تبیین واژگان پرداخته است. برای مثال، او در تفسیر آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ» (بقره، ۶۳) بیان کرده که «الطُّور» واژه‌ای سریانی است و سریانی از مهم‌ترین لهجات آرامی است. هم‌چنین در تفسیر آیه «إِنَّكَ بِأَلْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه، ۱۲) «طوی» را لغت مصری کهن به معنای سرزمین دانسته است. (ابن زید، ۲۰۱۴، ص ۱۵۱)

۴.۵. استفاده از قواعد عقلی و اجتهاد در تفسیر

از مشخصات تفسیر تابعان، گشوده شدن باب اجتهاد و گسترش آن بود. (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۴) زید بن علی (ع) در تبیین بعضی از واژگان مطالبی را مطرح می‌کند که کمتر در سایر کتب تفسیر آمده و پیدا کردن ارتباط آن واژه با معنایی که مفسران گفته‌اند، نیازمند تأمل بیش‌تر است. برای مثال، در تفسیر آیه ۱۴ سوره مائده واژه «فاغرینا» را «فَتَحْنَا» معنا کرده است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۱۸۰) واژه «اغراء» به معنی چسبیدن به چیزی است و سپس به معنای تشویق و وادار ساختن به کاری استعمال گردیده است؛ بنابراین شامل هر نوع برانگیختن و انداختن نمی‌شود؛ بلکه منظور از آن برانگیختنی است که بچسبد و جدا نشود؛ یعنی دشمنی که بین یهود و نصاری است تا قیامت خواهد ماند و از آنان جدا نخواهد شد. واژه «فَتَحْنَا» را هیچ کدام از تفاسیر مطرح نکرده‌اند.

تفسیر عبد الرحمان بن زید نیز در سطح وسیعی از عنصر عقل و اجتهاد بهره جسته است.

۵. مقایسه روش‌های تفسیری زید بن علی و عبدالرحمن بن زید

بررسی منابع و مستندات تفاسیر مذکور، حاکی از روشمندی آنهاست که در دو سطح اشتراکی و اختصاصی قابل بررسی است.

۵.۱. روش اجتهادی جامع

روش تفسیری زید بن علی و عبدالرحمن بن زید، اجتهادی جامع است؛ زیرا به جوانب مختلف تفسیر اعم از لغت، ادب، فقه و کلام متناسب با علوم، آگاهی‌ها، تخصص‌ها و نیازهای متداول عصر خود پرداخته‌اند. منتها اهتمام ویژه هریک از آنان در بهره‌گیری از منابع، روش تفسیری غالب در این دو تفسیر متفاوت است.

۵.۲. روش ادبی

زید بن علی در تفسیر خود بیش‌تر به جنبه‌های ادبی پرداخته است؛ چرا که وی بیان فصیح و بلیغی داشته (یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۵) و علاوه بر فصاحت، دارای قلم ادیبانه‌ای نیز بوده و این ویژگی در نوشته‌های او مشهود است. برای مثال در کتاب «الصفوه» می‌توان سیطره علمی و ادبی او را ملاحظه کرد. (رضوی اردکانی، ۱۳۶۱، ص ۷۹) از این رو، روش غالب وی در تفسیر، استفاده از علوم ادبی به ویژه علم لغت است.

۵.۳. روش قرآن به قرآن

بررسی تفسیر عبدالرحمن بن زید نیز حاکی از آن است که قرآن محوری از ویژگی‌های بارز آن است و او برای تبیین آیات قرآن به طور گسترده از این منبع، بهره برده است. کمتر بیانی در تفسیر او خالی از استشادات قرآنی است. کثرت استشادات قرآنی وی به گونه‌ای است که در برخی موارد تفسیری بیش از یک آیه را ذکر کرده و شماری از آیات مشابه را گرد آورده است. با توجه به کثرت استشادات قرآنی در تفسیر عبدالرحمان بن زید و محور قرار دادن آیات قرآن در تفسیر، روش تفسیری او قرآن به قرآن است.

۶. مقایسه گرایش‌های تفسیری زید بن علی و عبدالرحمن بن زید

مقصود از «گرایش» یا «اتجاه» تفسیری که گاهی هم عرض مفاهیمی چون مذاهب، مکاتب تفسیری قرار داده می‌شود تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و علمی در تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها و ذوق و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد. (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۴۵)

۶.۱. گرایش فقهی

از آنجا که قرآن و سنت مهم‌ترین منبع احکام دینی است و قرآن کریم آیات متعددی درباره احکام تکلیفی دارد، فقه القرآن یا آیات الاحکام، به صورت یک گرایش تفسیری، از قرن‌های اولیه مطرح بوده است.

در روایات تفسیری زید بن علی (ع) تفسیر آیات الاحکام نیز به چشم می‌خورد؛ با این وجود این گرایش در تفسیر زید بن علی صبیغ غالبی ندارد. برای مثال، ذیل آیه «فَأَمَّا سَكُّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيعٌ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۲۹) بیان کرده است، طلاق دو بار، ممکن است. (زیدبن علی، ۱۹۹۲، ص ۱۲۶)

اما از آنجا که ابن زید از فقهای مدینه و دارای آرای فقهی بوده است، روایات وی ذیل اغلب آیات الاحکام دیده می‌شود. به دلیل وجود آرای فقهی او در مصادر حدیثی متأخر نظیر موطاء مالک، سزگین معتقد است که او کتابی در فقه تدوین کرده که به دست ما نرسیده است. البته ابن عبدالبر آرای فقهی او را ذیل عنوان «مراسیل عبدالرحمان بن زید بن اسلم عن نفسه» جمع آوری کرده است. (سزگین، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۸) ابن زید به تفسیر آیات الاحکام اهتمام ویژه‌ای داشته است. برای مثال، در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱) بیان می‌کند، مراد از عقود می‌تواند بیع، نکاح یا شرکت باشد که انسان در تعامل با دیگران انجام می‌دهد و یا آن چیزی است که انسان خود را ملزم به انجام آن می‌کند؛ مانند نذر و قسم. (ابن زید، ۱۷۰، ص ۲۰۱۴)

هم‌چنین ابن زید در تفسیر برخی آیات قرآن، آرای فقهی دارد که با رأی غالب اهل سنت همسو نیست. برای مثال، در تفسیر آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (انفال، ۴۱) با نقل حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در جنگ خیبر و در جریان تقسیم غنائم آن، با بیان «هذا الخمس مردود علی فقرائکم» مصرف خمس را تبیین می‌کند و از آنجا که این بیان با آرای فقهی اهل سنت در باب خمس سازگاری ندارد، برخی از علمای اهل سنت، ابن زید را متهم به اشتباه در فهم یا کتابت حدیث نموده و از این رو حکم به ضعف حدیث او داده‌اند. این حدیث در مسند احمد حنبل، سنن نسائی، سنن ابو داود با لفظ «مردود فیکم» آورده شده است. (ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۱۶؛ نسائی، ۱۴۱، ج ۷، ص ۱۳۱؛ ابوداود، ج ۳، ص ۸۲)

با عنایت به فراوانی آراء فقهی عبدالرحمان بن زید بن اسلم و توجه او به تفسیر آیات الاحکام، گرایش فقهی را می‌توان گرایش غالب در تفسیر او دانست.

۲.۶. گرایش کلامی

دلالت روشنی در تفسیر زید بن علی و عبدالرحمان بن زید مبنی بر جهت‌گیری کلامی دیده نمی‌شود. البته پرداختن زید بن علی به جنبه‌های ادبی و بلاغی قرآن را می‌توان کلامی به شمار آورد؛ از این جهت که در حمایت از ساحت قرآن دانسته می‌شود. منتها جای شگفتی است، علیرغم گرایش شیعی زید بن علی مطلبی در تفسیر وی مبنی بر دفاع از عقائد شیعی وجود ندارد. حتی او ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره مراد از عبارت «مِن النَّاسِ» را بیان نکرده است؛ در حالی که اکثر تفاسیر شیعی، آن را ناظر به امام علی (ع) دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۹۰)

۳.۶. گرایش ادبی

عنوان اثر زید بن علی به خوبی بازگوکننده گرایش ادبی او در تفسیر است. او در تفسیر خود به تحلیل واژگان، استناد به اقوال عرب و بیان نکات بلاغی پرداخته است. برای نمونه، زید در آیه «فَرِّدُوا آيِدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ» (ابراهیم، ۹) واژه «افواههم» را «السنتهم» معنا کرده

است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۲۳۳) که اشاره‌ای به مجاز مفرد و مرسل با علاقه محلیت است؛ چرا که گفتار تنها با زبان پدید می‌آید. (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۵). وی همچنین در آیه ۲۲ سوره ذاریات، واژه «رزق» را «مطر» معنا کرده است. (زید بن علی، ۱۹۹۲، ص ۳۸۷) زیرا باران سبب رزق و روزی است، نه این که خودش روزی باشد. سیوطی این نوع مجاز را در زمرة مجاز مفرد آورده و از آن با عنوان اطلاق مسبب بر سبب یاد نموده است. سبب باران و مسبب رزق و روزی است. (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷)

عبدالرحمان بن زید نیز در تبیین آیات، استناد ادبی داشته است؛ اما این رویکرد، گرایشی غالب در تفسیر وی محسوب نمی‌شود.

۷. نتایج

نتایجی که از پژوهش حاضر به دست می‌آید، از این قرار است:

۱. دغدغه اصلی زید بن علی و عبدالرحمن بن زید استفاده از تخصص‌های علمی خود برای پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی عصرشان بوده است. تفاسیر آنان بر نقل روایات مبتنی است، در نگاه کلان جزء تفاسیر روایی به شمار می‌روند؛ اما چون ترکیبی از چند روش و گرایش تفسیری‌اند و به شیوه ترتیبی تمام آیات را تفسیر کرده‌اند، از جمله «تفاسیر جامع» تلقی می‌شوند.

۲. این دو مفسر، روش‌ها و رویکردهای مشترکی دارند؛ اما در میزان استفاده و اهتمام بر هریک از آنها تفاوت‌های آشکاری دارند. تفسیر زید بن علی بیش‌تر بر رویکرد ادبی استوار است؛ اما عبدالرحمان بن زید رویکرد تفسیری خود را بیش‌تر بر پایه تأمل در آیات قرآن، استوار نموده و از روش تفسیری قرآن به قرآن به طور وسیع بهره برده است. از آنجا که او از فقهای مدینه بوده، به تفسیر آیات الاحکام اهتمام ویژه‌ای داشته است و گرایش فقهی، گرایش غالب تفسیر او به شمار می‌رود.

۳. صاحب غریب القرآن در بهره‌گیری از اقوال صحابه و تابعین عنایتی به ذکر نام آنان ندارد. هم‌چنین اقوال مختلف را ذیل آیه نمی‌آورد و به ذکر قول برگزیده بسنده می‌کند. تبیین

دقیق واژگان غریب، الفاظ معرب، مترادف و توجه به نکات بلاغی از جمله مجاز و کنایه از ویژگی‌های تفسیر اوست. او به بیان تعدد قرائات پرداخته؛ اما شاذ بودن یا صحیح بودن آنها را ذکر نکرده است.

در مقابل، عبد الرحمان بن زید به قرائات ضعیف و شاذ هم پرداخته و در نقل از صحابه و تابعان، اسامی آنان را ذکر کرده است. ابن زید از آراء صحابه و تابعین در جهت تبیین لغات، بیان وجه مجازی آیات، بیان آرای فقهی، روشن نمودن زمینه‌های تاریخی مؤثر در تفسیر و مشخص کردن شخصیت‌های مبهم استفاده کرده است. این دو مفسر در تبیین آیات، اهتمام چندانی به اشعار عرب نداشتند.

۸. منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، (بی تا)، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء.
۲. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۰۴ق) تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج، (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم النفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن حبان، ابوحاتم محمد، (۱۹۷۳م)، الثقات، حیدر آباد هند: دائرة المعارف العثمانیه.
۵. ابن حنبل، احمد، (۱۹۶۹م)، المسند، بیروت: المکتب الاسلامی و دارصادر للطباعة و النشر.
۶. ابن زید، عبد الرحمان (۲۰۱۴) تفسیر، ابو السعود بدر، عبدالله، إربد، اردن: عالم الکتب الحدیث للنشر و التوزیع.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱ق)، غریب القرآن، بیروت: دارالمکتبه الهلال.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۶ش)، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
۱۰. ابوزهره، محمد، (بی تا)، الامام زید حیات و عصره - آراوه و فقهه - بیروت: مکتبه الاسلامیه.
۱۱. ایازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴ق)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. بخاری، اسماعیل بن ابراهیم، (بی تا)، التاریخ الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. بروکمان، (۱۹۷۵) تاریخ الادب العربی، مصر: دار المعارف.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۵. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. خویی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، معجم الرجال الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۱۸. داودی، محمد بن علی، (بی‌تا)، طبقات المفسرين، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. ذهبی، ابو عبدالله، (بی‌تا)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفه.
۲۰. رضوی اردکانی شیرازی، سید ابوالفضل، (۱۳۶۱)، شخصیت و قیام زید بن علی (ع)، (بی‌جا): انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. زرکلی، خیر الدین، (۱۹۸۶) الاعلام قاموس تراجم لا شهر الرجال و النساء، بیروت: دار العلم.
۲۲. زید بن علی بن حسین (ع)، (۱۳۷۶)، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۲۳. زید بن علی (ع)، (۱۹۹۲م) تفسیر غریب القرآن، تحقیق حسن محمد تقی حکیم، بیروت: دارالعلمیه.
۲۴. سزگین، فؤاد، (۱۴۱۲ق)، تاریخ التراث العربی فی علوم القرآن الحديث، محمد، فهمی، حجازی، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۵. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۷. _____، (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار ابن کثیر.
۲۸. شوکانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۲۹. صدر، سید حسن، (بی‌تا)، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، بیروت: مؤسسه النعمان.
۳۰. صاوی جوینی، مصطفی، (۱۹۹۸م) التفسیر الادبی للنص القرآنی، اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. _____، (۱۳۷۷) قرآن در اسلام، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق) مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه.
۳۴. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: انتشارات اسلامی.
۳۷. عقیقی بخشایشی، (۱۳۷۲)، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۸. علی الصغیر، محمد حسین، المبادئ العامة لتفسير القرآن الكريم بين النظرية و التطبيق، (۱۴۲۰)، بیروت: دار المؤرخ العربي.
۳۹. فیض کاشانی، ملا حسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
۴۱. مامقانی، (بی تا)، تنقیح المقال فی علم الرجال، (بی جا).
۴۲. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. مؤدب، سید رضا (۱۳۸۰)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم (انتشارات اشراق).
۴۴. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰)، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴)، الارشاد، ترجمه رسول محلاتی، بیروت: دارالمفید.
۴۶. موسوی نژاد، سید علی، (۱۳۸۴)، تراث الزیدیه، (بی جا): مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۴۷. نسایی، ابو عبد الرحمن احمد بن علی بن شعیب، (۱۴۱۱)، السنن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۸. هاشمی، احمد، (۱۳۷۹)، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
۴۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، قم: مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت.